



پروفیسور شرعی جوزجانی

از خاطرات زندگی سیاسی من

41 سال قبل

**سفر رسمی حزبی ما
به مسکو و تاشکینت**



پذیرایی در میدان هوایی از طرف عبد واحد کریموف والی بخارا و هیئت اداری ولایت

قسمت دوم

بعد از چند ساعت راه پیمایی توسط موتر از «جیزرخ» به شهر سمرقند پایتخت دولت امیر تیمور کورگان و نخستین پایتخت اوزبیکستان شوروی در سالهای اول تأسیس جمهوری مواصلت کردیم. رفیق بکتاش رحیموف منشی اول و کوکسینکو ویتالی منشی دوم کمیته حزبی ولایتی سمرقند با حاکم شهر و عده ای از اعضای کمیته از ما استقبال به عمل آوردند.

ملاقات ما با بکتاش رحیموف منشی اول کمیته ولایتی سمرقند و برخی از اعضای کمیته جالب بود. سمرقند با یادگارهای تاریخی چند هزار ساله و بناهای عظیم دوران تیموری خود از شهرهای بزرگ و معمور اوزبیکستان و مرکز مهم گردشگری میباشد. ولایت سمرقند با محصولات زراعتی و فرآورده های صنعتی خود در صف مقدم ولایتهای مملکت قرار دار و به رهبری با صلاحیت نیازمند میباشد. رفیق بکتاش رحیموف با همکاران پرتلاش خود این وظیفه سنگین را موفقانه به پیش میبرد.

بر اساس گزارشهای مفصلی که از طرف او و مسئولین کمیته داده شد، به وسعت کار و سطح پیشرفت ولایت در عرصه های مختلف تولیدی آشنا شدیم و بعداً از چند کلخوز و ساوخوز بازدید به عمل آوردیم و شیوه کار آنها را از نزدیک مشاهده کردیم. کلخوز در نظام شوروی نوعی مزرعه اشتراکی بود که دهقانان در آن به شکل کولکتیف کار میکردند و ساوخوز شکل دولتی تولیدات زراعتی و مالداری بود.

روزهای بعد اقامت مادر سمرقند و بازدید از آثار بزرگ تاریخی دوره تیموریان خیلی جالب و سودمند بود. ما برای اولین بار این بناهای عظیم و شگفت انگیز را از نزدیک میدیدیم و در باره آنها معلومات بدست می آوردیم.

مدرسه میرزا اولوغ بیک:

چون بکتاش رحیموف مصروف دایرکردن پلینوم کمیته ولایتی بود، حاکم (والی) ولایت سمرقند.... مارا به مراکز تاریخی رهنمایی میکرد. نخست به میدان بزرگ ریگستان سمرقند رفتیم که از طرف غرب با مدرسه میرزا اولوغ بیک، از طرف شمال با مسجد طلاکاری و از طرف شرق با مدرسه شیردار محاط است و سمت جنوبی آن به فاصله 60-70 متر به سرک عمومی اتصال دارد.

مدرسه میرزا اولوغ بیک که با پیشتاق بلند و دو مناره مرتفع مزین با کاشیهای زیبا و خطوط اسلیمی خود دقت هر بیننده را به خود جلب میکند، به مقصد تدریس علوم عقلی و نقلی در دو طبقه ساخته شده بود، در اطراف صحن وسیع داخلی خود دارای دهها حجره است که برای اقامت دانش آموزان ساخته شده و حیثیت لیلیه طالبان علوم را داشته و در سالهای بعدی از جمله مشاهیر آن دوره عبدالرحمان جامی و علیشیرنواپی نیز در آن درس خوانده اند.

میرزا اولوغ بیک شخصا خودش با قاضیزاده رومی، جمشید کاشی و علی قوشچی، علم هیئت، ریاضی و سایر علوم طبیعی را تدریس میکرد و برجسته ترین علمای وقت به تدریس علوم دینی اشتغال داشته اند. مسجدی که در سمت غربی صحن مدرسه اعمار شده برای ادای نماز و تدریس علوم اختصاص داشته و دو اتاق نسبتا کلانی که در دو سمت شمالی و جنوبی مسجد قرار دارد نیز مخصوص برای تدریس بوده است تا چند استاد بتوانند در آن واحد کار تدریس را پیش ببرند. بر طبق معلومات تاریخی، زنان نیز میتوانسته اند با حجاب در عقب محصلان، درس استادان را بشنوند که این امر بعدا موجب تحریک عناصر متعصب برضد مراکز علمی اولوغ بیک گردید.

مدرسه اولوغ بیک در قرن 15 در آسیای مرکزی منبع پخش و نشر دانش و معرفت بود و حیثیت یک اکادمی علوم را داشت.

مدرسه طلاکاری:

این بنا که ساختمان آن به دستور یالانگتوش بهادر آغاز یافته و تکمیل آن چند سال به طول انجامیده شاید از لحاظ هنری زیباترین بنای قرن 17 در آسیای مرکزی باشد. وجه تسمیه آن به طلاکاری از این جهت است که در سمت چپ آن مسجدی با گنبد آبی رنگ قرار دارد و داخل گنبد و اطراف آن با طلا و نقوش نهایت زیبا تزیین شده است. یک انجنیر و متخصص لیننگرادی که با شاگردان خود در هوای سرد مصروف ترمیم بود، در پاسخ من گفت که این سال پنجم است که مصروف ترمیم این گنبد و دیوارهای داخل آن در همین هوای سرد میباشم. در کار ترمیم آن 5 کیلو طلای خالص به کار رفته است. پرسیدم دلیل این همه مصرف گزاف برای ترمیم یک گنبد چیست؟ گفت که در تمام اروپا گنبدی باین عظمت و زیبایی وجود ندارد. بهترین مرکز جلب سیاحان در سمرقند خواهد بود.

مدرسه شیردار نیز که به دستور حاکم وقت سمرقند... در اواسط قرن 17 اعمار شده با تصویر دوشیر قوی هیکل در دو گوشه پیشتاق مرتفع که از عقب آن طلوع خورشید دیده میشود، از بناهای دیگر متمایز است. شاید این یگانه مسجدی باشد که تصویر دوحیوان در آن رسم شده. مدرسه دارای اتاقهای متعدد و دیوارهای مزین با کاشیهای رنگین و خطوط اسلیمی میباشد. از تمام نقاط میدان بازدید به عمل آورده، عکسهای یادگاری گرفتیم.

رصد خانه میرزا اولوغ بیک:

بعد از آن حاکم شهر مارا به بازدید از رصد خانه میرزا اولوغ بیک برد که بریک سطح نسبتا بلند قرار دارد. ساختمان رصدخانه که ظهیر الدین محمد بابر آنرا از نزدیک دیده و در بابرنامه پیرامون آن معلومات داده است،

در سال 1420 در سه طبقه به شکل مدور به پایه اكمال رسیده بود. نیمی از ساختار کمان شکل زاویه یاب که در زیر زمین قرار داشته و توسط دانشمند باستان شناس روسی بنام دیاتگین کشف گردیده، دارای ارقام ریاضی با حروف ابجد میباشد. نیم دیگر آن روی زمین قرار داشته که بعد از مرگ اولوغ بیک، در سال 1449 توسط متعصبین مذهبی تخریب گردید. در دو طبقه عمارت اسطرلابهای عظیمی قرار داشته که از آنها برای ترصد ستارگان استفاده میشده است.

دانشمندان و محققان موظف که تعداد شان به 60 - 70 تن میرسید، همزمان هم در مدرسه اولوغ بیک و هم در رصدخانه کار میکردند. علی قوشچی مسئولیت رصدخانه را به دوش داشت. محصول تحقیقات دانشمندان در مدرسه و رصدخانه تألیف کتاب علمی بی نظیر «زیچ کورگانی» توسط میرزا اولوغ بیک با اشتراک چند دانشمند دیگر بود که نسخه اصلی آن بعد از مرگ اولوغ بیک توسط شاگرد او علی قوشچی به استنبول برده شد و بعداً به زبانهای مختلف ترجمه و در دانشگاههای اروپا مورد استفاده قرار گرفت.

از بدنه اصلی رصدخانه در زیر زمین و محل بنای اصلی آن و نیز از موزیم کوچک میرزا اولوغ بیک که اسناد مهم مربوط به فعالیتهای علمی او را دارد، از نزدیک دیدار به عمل آوردیم. حاکم شهر ما را به جای سبز دعوت کرد.

بعد از آن راه مسجد بی بی خانم را در پیش گرفتیم. این مسجد که به دستور صاحبقران امیر تیمور در مدت 5 سال ساخته شده به نام بی بی خانم همسر زیبا و مدبر امیر تیمور «بی بی خانم» مسمی گردیده است. دیوار خارجی دیدنی آن دارای 167 متر طول و 109 متر عرض بوده، ارتفاع کنبد عظیم آبی رنگ آن 40 متر میباشد. پیشتاق در ورودی با دو مناره مرتفع آن که میگویند بیش از 50 متر ارتفاع داشته و جنرال کاوفمن روسی قسمتهای بالایی آنرا با توپ پرانده، در واژه دخول در صحن بزرگ مسجد میباشد. کلاویخو سفیر باستیل نزد تیمور مسجد بی بی خانم را زیباترین بنای سمرقند دانسته است.

آرامگاه امیر تیمور:

سپس به زیارت

آرامگاه امیر تیمور در وسط شهر سمرقند رفتیم. در این بنای شکوهمند و زیبا که از طرف میرزا اولوغ بیک ساخته شده، امیر تیمور و برخی از اعضای خانواده اومدفون اند. مقبره اصلی در منزل پایینی بنا که سقف آن به شکل «اوتاو» - خرگاه ترکی به شکل ساده اما قشنگ ساخته شده، قرار دارد که بنا به خواهش ما اجازه بازدید دادند.

قبل از آغاز جنگ جهانی دوم به دستور ستالین گروهی که از طرف حزب کمونیست شوروی اعزام شده بود مقبره امیر تیمور را نبش کردند و استخوانهای داخل تابوت را به مسکو انتقال دادند. دلیل آنها این بود که متخصصین از روی استخوان مجسمه تصویر جهانکشا را میکشند، اما برخی بدین باور بودند که این بی حرمتی در طمع جواهرات گرانبهایی که شاید در تابوت گذاشته شده باشد، صورت گرفته بود. فردای نبش قبر با حمله به شوروی جنگ جهانی دوم آغاز شد و میان مردم این شایعه پخش گردید که بنا بر بعضی نوشته های تاریخی، تیمورگفته بوده که بازکردن قبر من سر آغاز جنگ خواهد بود. چون خلق اوزبیک سخت به امیر تیمور حرمت قایل بودند و او را عزیز و گرامی میداشتند، این اقدام وسیله رنجش و اعتراض شدید آنها گردید و چند ماه بعد به دستور مجدد ستالین استخوانها را به سمرقند آورده در حضور نمایندگان مردم در تابوت گذاشته دفن کردند.

کنبد بزرگ و بلند پیازی شکل آرامگاه امیر که سمبول هنر معماری تیموریان است، از بیرون با کاشی آبی رنگ کار شده و از داخل مزین با نقوش مطلا و آیات و احادیث به خط قشنگ کوفی و اسلیمی میباشد. دو پیشتاق بلند درهای ورودی با کاشی کاریها و تزئینات هندسی شگفت انگیز خود به آرامگاه شکوه خاص میبخشد.

بعد از سه روز اقامت در شهر سمرقند و بازدید از یادگارهای تاریخی و آشنایی با سیستم کار حزبی و امور دولتی توسط یک طیاره نسبتاً کوچک عازم ولایت بخارا شدیم. در میدان طیاره والی بخارا شادروان عبد واحد کریموف با برخی از اعضای هیئت رهبری حزبی و دولتی با دسته های گل ما را استقبال کردند.

بخارا یکی از کهنترین شهرهای تاریخی اوزبیکستان بوده، با داشتن ابنیه قدیمی و صنایع دستی نفیس خود مشهور است. حاکم ولایت عبد واحد کریموف که قبلاً رهبری ولایت قشقه دریا را عهده دار بوده و با کاردانی و اعمار پروژه های مهم آبیاری و ساختمانی شهرت به سزایی داشته، اخیراً به حیث والی بخارا تعیین گردیده بود.

ما در بخارا سه شب مهمان اوبودیم و علاوه بر ملاقات با سازمانهای حزبی و آشنایی با تجارب تشکیلاتی آنها، از مهمترین یادگارهای تاریخی شهر دیدن کردیم. اعمار شهر جدید بخارا بر طبق پلان قبولشده تازه آغاز شده و کار آن به سرعت پیش میرفت. تا آن وقت تنها یک سالون بزرگ و مجلل که برای برگزاری کنفرانسها و کنسرتها اختصاص یافته به پایه اكمال رسیده بود و ما در مراسم افتتاح آن اشتراک داشتیم و با تورغون فیضی یف رئیس اتحادیه نویسندگان اوزبیکستان که با چند تن از نویسندگان برای اشتراک در محفل افتتاح آمده بودند، معرفی شدیم.

فردای آن والی بخارا مارا در شهر نو بنیاد گشت داد و با پروژه های زیرساختمان آشنا ساخت و گفت که ما اعمار شهر نو را بر طبق پلان مرتبه در موعده معین بسر میرسانیم. آبادیهای 40 سال قبل شهر کنونی بخارا به رهبری او به پایه تکمیل رسیده است.

بر طبق پروگرام مرتبه ما از مقبره اسماعیل سامانی که کاملاً از خشت پخته ساخته شده و قلعه بخارا که تاریخ بسیار طولانی دارد دیدن کردیم. این دژ که مرکز فرمانروایی آخرین پادشاه سلاله تورکی منغیت سید عالم خان بود و در روزهای معین به عرایض مردم رسیدگی میکرد، در جریان اشغال بخارا توسط قشون سرخ شوروی **در سال** شدیداً بمبارد شد و قسمت اساسی آن کاملاً تخریب گردید. شورویها تمام خزاین گرانبهای باقیمانده از شاهان تورکستان را با خود به مسکو انتقال دادند.

همچنان ما از قرارگاه پادشاه بخارا امیرعالم خان که در فاصله نزدیک شهر قرارداشت بازدید به عمل آوردیم. درین سرای وسیع و زیبا تعداد زیادی از طاووسهای قشنگ که مورد علاقه امیر بوده نگهدار میشد. بعد از دروازه ورودی کلان در سمت راست سرای، یک سالون و چند اتاق مخصوص برای پذیرش سفرا و شخصیتهای مهم مهمان قرار داشت و دفتر کار امیر و تمام اتاقها با تمام لوازم نفیس و قیمتی موجود در آنها نگهداری میشد. در وسط باغ کنار یک حوض بزرگ یک عمارت سفید دو منزله که به اسلوب عصری اعمار شده بود و به نام «ستاره ماه خاصه» یاد میشد قرار داشت. چون بنا زیر ترمیم بود، نتوانستیم داخل آنرا تماشاکنیم.

بدین ترتیب سفر سه روزه ما در بخارا به پایان رسید و فردای آن والی و اعضای معیتی او مارا تا میدان طیاره مشایعت کردند و ما توسط طیاره این شهر تاریخی را ترک گفتیم و به شهر تاشکینت مواصلت کردیم.

پایان قسمت دوم مقاله

عکسهای مربوط به مقاله:



در میدان ریگستان سمرقند



مدرسه اولوغ بیک از داخل. در عقب رواق،
مسجد و سه مرکز تدریس قرار دارد



پیش روی مدرسه شیردار



با میزان مسکوی شنبیلی وی



در رصد خانه میرزا اولوغ بیک



در رصد خانه با حاکم شهر



صرف چای با حاکم شهر سمرقند



در پیش در ورودی آرامگاه امیر تیمور که در زمان شوروی رو به خرابی میرفت



با والی بخارا در مدخل مهمانخانه



بازدید از محل کار امیر بخارا. در سمت چپ، کاخ «ستاره ماه خاصه»



در مدخل قلعه باستانی بخارا



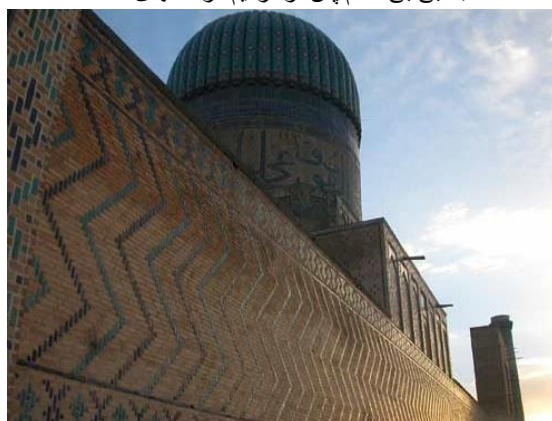
مقبره اسماعیل سامانی



هنگام برگشت از بخارا



مسجد بی بی خانم پس از ترمیم در سالهای استقلال



دیوار و گنبد بزرگ آبی رنگ مسجد بی بی خانم



منخل مسجد